

حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام در جسم عنصری یا بدن برزخی؟*

[علی نصیری / محمد کاظم اسماعیلی^۲]

چکیده

دو دیدگاه ناهمگون در حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام مطرح است؛ گروهی از دانشوران، این زندگانی را در بدن برزخی (مثالی) و برخی دیگر، در جسم دنیایی می‌پندارند. هر یک از دیدگاه‌ها، به احادیثی مستند است که برداشت صحیح از محتوای آنها، در درک مقامات و خصائص اهل بیت علیهم السلام مفید و راهگشا است. در این نوشتار، با رویکرد توصیفی - تحلیلی، حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام در جسم دنیایی، اثبات می‌گردد؛ مستند اصلی این نظر، روایاتی است که تأکید می‌کند بدن هیچ نبی و وصی در روی زمین، بیش از سه یا چهل روز قرار نمی‌گیرد مگر آن‌که خداوند بدن او را به آسمان می‌برد؛ افزون بر آن، شواهدی از روایات، مانند هم‌رتبه بودن جسم اهل بیت علیهم السلام با روح ما، مشاهده انبیاء و اوصیاء پس از رحلت و دیدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با انبیاء در معراج، این دیدگاه را تقویت می‌کنند.

کلید واژه‌ها: برزخ، بدن مثالی، بدن برزخی، حیات برزخی، مقامات اهل بیت علیهم السلام.

* تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۶، تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۲۲.

(لازم به ذکر است به دلیل تأخیر در انتشار این دوفصلنامه، تاریخ‌های دریافت و پذیرش مقالات، با تاریخ درج شده بر روی جلد همخوانی ندارد).

۱. استاد تمام دانشگاه علم و صنعت.

۲. دانش آموخته درس خارج حوزه علمیه قم، فارغ التحصیل مرکز تخصصی امامت

اهل بیت علیهم السلام، AK.esmaeili@gmail.com

درآمد

حیات برزخی انسان‌ها و چگونگی آن، از مهم‌ترین آموزه‌های دینی است که ذهن انسان را همواره به خود مشغول ساخته است؛ در خلال این بحث، به طور ویژه، حیات برزخی اهل بیت علیهم‌السلام مورد پرسش قرار می‌گیرد که آیا اهل بیت علیهم‌السلام دارای حیات برزخی مخصوصی هستند یا در کیفیت حیات برزخی با دیگران همسانند؟

پاسخ به این پرسش، بدون رهنمون وحی، میسر نیست؛ هم‌چنین با توجه به وجود روایات گوناگون و دیدگاه‌های ناهمگون، بررسی و تحلیل این احادیث، می‌تواند در درک مقامات و خصائص اهل بیت علیهم‌السلام مفید و راهگشا باشد؛^۱ علاوه بر این، بحث از چگونگی حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار^۲ و حل برخی از شبهات مربوط به آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در پیشینه مطالعات صورت گرفته، اثری که به صورت خاص و تک‌نگاره به بحث چگونگی حیات برزخی اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته باشد - بنا بر کاوش نگارنده - یافت نگردید، اما در اثرهای تخصصی دانش کلام مانند: «اوائیل المقالات»^۳ و «تصحیح الاعتقادات الامامیه»^۴ شیخ مفید و «کنز الفوائد»^۵ کراجکی، به این بحث اشاره

۱. از این جهت که در صورت اثبات حیات برزخی در جسم دنیایی، فهمیده می‌شود که جسم اهل بیت علیهم‌السلام همانند روح دیگرانسان‌ها، توانایی گذراندن حیات برزخی را دارد؛ این ویژگی، اثبات‌کننده جایگاهی ویژه و خاص، برای آن بزرگواران است.

۲. برای تفصیل بحث حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار رک: اسماعیلی، محمدکاظم، «بررسی سندی و صدور روایات حضور اهل بیت علیهم‌السلام در حالت احتضار با تأکید بر مقامات اهل بیت علیهم‌السلام» استاد راهنما: علی نصیری، استاد مشاور: حسین شانه‌چی، بنیاد امامت، ۱۳۹۴ش؛ اسماعیلی، محمدکاظم، «بررسی محتوایی احادیث حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار و نقد برخی از دیدگاه‌ها»، فصلنامه امامت پژوهی، ۱۶/۸۵-۱۱۸.

۳. مفید، محمد بن محمد، اوائیل المقالات، ص ۷۲-۷۳.

۴. همو، تصحیح الاعتقادات، ص ۹۱.

۵. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۲/۱۴۰.

شده است؛ هم چنین در منابع عام حدیثی، همچون «بحار الانوار»^۱ علامه مجلسی و «الدرر النجفیة»^۲ سید هاشم بحرانی به تحلیل و بررسی روایات این باب پرداخته شده است. در نگاشته‌های تاریخی معاصر، «الصحيح من سيرة النبي الاعظم»^۳ سید جعفر مرتضی عاملی، به تفصیل، این موضوع را بررسی کرده است.

در این پژوهش، به طور عمده به محتوای روایات پرداخته شده است؛ مقصود از برزخ در پژوهش حاضر، سرای بین دنیا و قیامت است^۴ و منظور از اهل بیت علیهم السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان، حضرت فاطمه، حسنین^۵ و سایر امامان شیعه علیهم السلام می باشد.^۶

۱. اثبات حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام

حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام، یکی از آموزه‌های قرآن کریم و روایات اسلامی است که از جهت سیر منطقی، اثبات آن بر چگونگی اش، مقدم است.

آیات ۱۴۵ سوره بقره و ۱۶۹-۱۷۰ آل عمران، بر زنده بودن شهیدان در زندگانی برزخ دلالت دارند^۷ و بنا بر اجماع مفسران، این آیات از دلایل حیات برزخی محسوب

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۲۹۹/۲۷، باب احوالهم علیهم السلام بعد الموت.

۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، الدرر النجفیة، ۱۶۴/۳.

۳. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ۱۹۵/۳۳-۲۰۰.

۴. تقی زاده، سید محمد، «برزخ در قرآن و روایات»، مجله منهج، ۱۵۱/۹-۱۷۱؛ شمس، علی، «برزخ در علم کلام»، دوفصلنامه معارف عقلی، ۱۵۷/۳-۱۷۳.

۵. رک: طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ۳۱۲/۱۶.

۶. هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد علیهم السلام، ۶۴۶/۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۴۲۳/۱، باب فيه نکت و نتف من التنزیل، ح ۵۴؛ بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان في تفسير القرآن، ۴۴۲/۴ و ۵۰۲/۵.

۷. لازم به ذکر است که این آیه، تنها مخصوص شهدای بدر نیست بلکه شهدای دیگر را نیز در بر می گیرد؛ رک: طباطبائی، محمد حسین، همان، ۳۴۸/۱.

می‌شوند.^۱ براین اساس، اهل بیت علیهم‌السلام که بی شک سالار شهیدان هستند، دارای زندگانی جاویدند.^۲

لازم به ذکر است حیات برزخی اهل بیت علیهم‌السلام، با توجه به جایگاه والایشان، به مراتب، برتر و قوی‌تر از دیگران است که از باب نمونه، روایات «عرضه اعمال» شاهد براین برتری است؛ مستفاد از مجموعه احادیث این است که «مؤمنون» در آیه ۱۰۵ سوره توبه،^۳ اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند؛ این آگاهی بر رفتار انسان‌ها، محدود به دنیا نیست بلکه در عالم برزخ نیز ادامه می‌یابد و آنان شاهدان خداوند بر خلق می‌باشند.^۴

۲. کیفیت حیات برزخی اهل بیت علیهم‌السلام

از مجموع فرمایش‌های برخی از متکلمان و محدثان برمی‌آید که انسان سه بدن متمایز از هم دارد که نقش مهمی را در زندگانی دنیا، برزخ و آخرت فرد ایفا می‌کنند؛ این سه بدن عبارتند از: بدن مادی، بدن برزخی و بدن ذره‌ای.^۵ بنا بر دیدگاه عمده دانشمندان، بدون شک بدن ذره‌ای، مربوط به عالم برزخ نیست؛^۶ از این رو در چگونگی حیات برزخی اهل بیت علیهم‌السلام، زندگانی با بدن برزخی و یا جسم عنصری مطرح است که به اختصار احادیث و دیدگاه‌های پیرامون آن، بررسی می‌شود.

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۴۳۳/۱.

۲. برای تفصیل بیشتر در استدلال آیه رک: موحدی، عبدالعلی، حیات برزخی، ص ۳۳-۳۹.

۳. «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ».

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۳۰۴/۱؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۲۴/۱، باب الاعمال تعرض علی رسول الله و الائمه علیهم‌السلام و باب عرض الاعمال علی الائمه الاحیاء و الاموات؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۱۹/۱، باب عرض الاعمال علی النبی و الائمه علیهم‌السلام؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۳۳۳/۲۳، باب عرض الاعمال علیهم و انهم الشهداء علی خلق.

۵. رک: افضلی، علی، «اقسام بدن انسان و نقش آنها در دنیا، برزخ و قیامت»، فصلنامه علوم حدیث، ۵۹ و ۱۱۲/۶-۱۲۰.

۶. زیرا مرتبط با عالم ذراست.

۲-۱- بررسی زندگانی با بدن برزخی

برخی از دانشوران امامیه بر این باورند که روح، پس از مفارقت از بدن، درون قالبی قرار می‌گیرد و زندگانی برزخی را در آن قالب سپری می‌کند؛ این دانشمندان به روایاتی از میراث گرانسنگ امامیه استناد کرده‌اند؛ در ادامه مطلب، قائلان این نظریه و دلائل آنها بررسی می‌شود.

قائلان زندگانی با بدن برزخی

برخی از متکلمان و محدثان امامیه،^۱ بدن دیگری را برای انسان پنداشته‌اند که روح، پس از جدایی از بدن دنیوی، درون آن قرار می‌گیرد و حیات برزخی انسان‌ها،^۲ در آن صورت می‌گیرد؛^۳ شیخ مفید - در بحث از چگونگی عذاب یا پاداش صاحبان قبرها - به این بدن اشاره کرده است و بیان می‌دارد که خداوند، اجسامی مانند اجسام دنیوی قرار می‌دهد و نیکوکاران در این اجسام، متنعم و بدکاران در عذاب هستند^۴ و این بدن‌ها، متفاوت از بدن‌های دورن قبر است.^۵ این امکان وجود دارد که این بدن، همان بدنی باشد که در هنگام خواب، روح به آن تعلق می‌گیرد^۶ و سیر

۱. با توجه به رویکرد این پژوهش، تنها به دیدگاه متکلمان و محدثان اشاره می‌شود: مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، ۴۷۰/۱؛ فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ۲۹۱/۲۴، باب علة غسل الميت؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۷۱/۶، باب احوال البرزخ و القبر و عذابه؛ شبر، عبدالله، حق الیقین، ص ۳۹۳.

۲. برخی از محدثان و متکلمان، عالم برزخ را نه مجرد نسبی بلکه از سنخ ماده لطیف می‌دانند. رک: افضلی، علی، «راه حل فیلسوفان اسلامی در رابطه نفس و بدن»، دو فصلنامه فلسفه، دوره ۳۵، شماره ۳/۴۵-۵۵؛ همو، «نقد و بررسی نظریه فیلسوفان اسلامی در مسئله رابطه نفس و بدن»، دو فصلنامه فلسفه، دوره ۳۶، شماره ۲.

۳. این بدن در اصطلاح فلاسفه، به بدن مثالی معروف است. رک: شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة، ۴۶/۲-۸۲؛ افضلی، علی، «اقسام بدن انسان و نقش آنها در دنیا، برزخ و قیامت»، فصلنامه علوم حدیث، ۱۱۲/۶ و ۵۹، ۱۲۰-۱۱۲.

۴. مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقادات، ص ۸۸.

۵. همو، اوائل المقالات، ص ۷۷؛ به همین مضمون: همو، مسائل السرویة، ص ۶۳.

۶. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۲۲۱/۱۴؛ شبر، عبدالله، همان، ص ۴۰۰.

می‌کند، که لطافت بسیار زیاد و جرمانی و متکاثف نبودن آن، امکان سیرو حرکت را ایجاد می‌کند.^۱

دلایل زندگانی در بدن برزخی

برای اثبات و چگونگی بدن برزخی، به آیات قرآن و احادیث گهربار معصومان علیهم‌السلام استدلال شده است؛ از جمله، آیاتی که از عذاب گروهی در عالم برزخ سخن می‌گوید^۲ و از تازیانه زدن فرشتگان بر چهره و پشت برخی از بدکاران خبر می‌دهد؛^۳ زیرا لازمه تأثیر آتش یا هرگونه لذت بروح، وجود بدنی است که واسطه انتقال آلام و لذات مادی به روح باشد؛ همان‌گونه که در دنیا، بدنی مادی لازم است؛ هم‌چنین، معنای حقیقی و ظاهری «صورت» و «پشت» حکایت از وجود اعضای بدن در عالم برزخ دارد.^۴

روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز به روشنی، چنین بدنی را اثبات می‌کنند و ویژگی‌هایی را برای این بدن برمی‌شمارند؛ علامه مجلسی این روایات را از حیث کمیت، مستفیض می‌داند که راهی جز پذیرش آن باقی نمی‌ماند.^۵ در سخنان معصومان علیهم‌السلام در توصیف بدن برزخی چنین آمده است که هنگام قبض روح، خداوند به اقتضای حکمت، بدنی غیر از بدن دنیایی را به روح می‌پوشاند^۶ که کاملاً همانند بدن دنیایی است^۷ و شخص، تا روز قیامت با همین بدن برزخی جزای اعمال خود

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۵۳/۵۸، باب حقیقة النفس والروح واحوالهما...، ح ۴۰.

۲. نوح: ۲۵ و به همین مضمون: غافر: ۴۶.

۳. این آیه به روشنی مربوط به عالم برزخ است نه قیامت؛ زیرا از شروع عذاب بدکاران هنگام آغاز قبض روح و انتقال به عالم برزخ سخن می‌گوید؛ محمد: ۲۷؛ و به همین مضمون: انفال: ۵۰.

۴. رک: افضل، علی، همان؛ لازم به ذکر است نگارنده مقاله، ادعا نموده است که استنباطش از این آیه، در اثبات حیات برزخی، تازگی دارد و هیچ یک از مفسران چنین استنباطی ننموده‌اند.

۵. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ۲۲۱/۱۴.

۶. همو، بحار الانوار، ۳۶/۵۸، باب حقیقة النفس والروح واحوالهما.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۴۵/۳، باب فی ارواح الکفار، ح ۱ و ۶.

را می‌بیند؛^۱ خوردن و آشامیدن نیز، با همین بدن صورت می‌گیرد و پس از ورود مؤمنان در جمع برزخیان، آنها را همانند شکل دنیایی‌شان می‌شناسند.^۳ حال پس از اثبات چنین بدنی در عالم برزخ، این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا اهل بیت علیهم‌السلام نیز با این بدن، زندگانی برزخی را می‌گذرانند یا زندگانی ویژه‌ای را سپری می‌کنند؟ برخی از دانشمندان امامیه زندگانی برزخی اهل بیت علیهم‌السلام را همانند دیگران تلقی کرده‌اند اما گروهی دیگر، براساس روایات، این زندگانی را به گونه‌ای دیگر برای آن بزرگواران پنداشته‌اند که قائلان و دلایل هر یک، بررسی می‌شود.

۲-۲- زندگانی برزخی اهل بیت علیهم‌السلام با جسم عنصری

برخی از دانشمندان امامیه براین باورند که بدن‌های شریف اهل بیت علیهم‌السلام، پس از قبض روح، به آسمان می‌رود و با جسم عنصری و دنیایی، زندگانی خویش را در برزخ ادامه می‌دهد. پیش از بررسی این دیدگاه، نیاز به مقدمه‌ای است.

امکان و وقوع صعود اجساد به آسمان، با توجه به دلایل نقلی، امری قطعی است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود؛ از جمله، معراج پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به آیات قرآن^۴ و احادیث متواتر، مستند است؛^۵ و بنا بر مشهور اخبار و دیدگاه عمده مفسران امامیه، معراج پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صورت جسمانی و در حالت بیداری صورت گرفته است.^۶

هم چنین قرآن، از صعود ادريس نبی به آسمان خبر می‌دهد و می‌فرماید: «و ما او

۱. همان، ح ۷؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۵۳/۶ و ۵۸/۸۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۴۵/۳، باب فی ارواح الکفار، ح ۶.

۳. همان.

۴. اسراء: ۱؛ نجم: ۵-۱۸.

۵. مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۸۲/۱۸-۴۰۹.

۶. این ادعا را شیخ طوسی و مرحوم طبرسی مطرح نموده‌اند؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان،

۴۲۴/۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۲۶۴/۹.

را به مقامی بلند ارتقا دادیم.»^۱ و مطابق برخی از روایات، قبض روح او در آسمان صورت گرفت.^۲

حضرت عیسی علیه السلام نیز، بنا بر تصریح آیات قرآن^۳ و روایات فراوان، به آسمان برده شد.^۴ بر این اساس، بالا رفتن جسم در هنگام حیات، نه تنها امکان دارد بلکه به وقوع پیوسته است. حال این پرسش مطرح است که آیا بالا رفتن اجساد عنصری و زندگانی با آن، در حیات برزخی نیز امکان دارد؟ در پاسخ، به دیدگاه برخی از دانشمندان - که چنین صعودی را پذیرفته اند - اشاره می شود.

قائلان زندگانی برزخی اهل بیت علیهم السلام با جسم عنصری

مرحوم کراچکی، بر انتقال اجساد انبیاء - پس از مرگ - به آسمان تأکید می کند و وقوع آن را در حیطه قدرت الهی برمی شمارد.^۵ شیخ مفید نیز، زندگانی برزخی با جسم دنیایی را ویژه حجت های الهی - انبیاء و ائمه علیهم السلام - می داند که در عالم برزخ، با جسم عنصری و روح خود، از نعمت های الهی بهره مند می شوند.^۶

از محدثان نیز، مرحوم بحرانی، اهل بیت علیهم السلام را با همین بدن عنصری، در عالم برزخ متنعم در نعمات الهی می داند؛^۷ هم چنین علامه مجلسی روایات آن را مستفیض برشمرده^۸ و احتمال آن که این روایات، اشاره به بدن های اصلی باشد را

۱. مریم: ۵۷.

۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۷/۳؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۱۲۱/۱۶.

۳. آل عمران: ۵۵؛ نساء: ۱۵۸.

۴. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ۱۹۵/۳۳.

۵. کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۱۴۰/۲.

۶. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ص ۷۲ و ۷۳.

۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، الدرر النجفیة، ۱۶۴/۳.

۸. مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۹۹/۲۷، باب احوالهم علیهم السلام بعد الموت وأن لحومهم حرام علی الأرض وأنهم یرفعون إلی السماء.

ترجیح داده است^۱ و در بحث از معراج رسول اکرم ﷺ و سخن گفتن با انبیاء نیز این احتمال را مطرح کرده است.^۲ میرزا حسنعلی مرواید نیز، احتمال حیات برزخی اهل بیت ﷺ در بدن عنصری را طرح کرده و روایات آن را انعکاس داده است.^۳

دلایل زندگانی اهل بیت ﷺ با جسم عنصری

قائلان نظریه حیات برزخی اهل بیت ﷺ در جسم عنصری، روایاتی را از میراث گرانبهای امامیه بردیدگاه خود ارائه کرده‌اند، که در این نوشتار، تنها به شش نمونه از آنها بسنده می‌شود:

۱. بدن هیچ نبی و وصیتی، بیش از سه روز روی زمین قرار نمی‌گیرد، مگر آن که خداوند روح، استخوان و گوشت‌هایش را به آسمان بالا می‌برد.^۴

۲. بدن هیچ نبی و وصیتی بیش از چهل روز در روی زمین مکث نمی‌کند.^۵

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: من گرمی ترم بر خدا، از این که خداوند مرا بیش از سه روز در زمین رها کند.^۶

۴. سعد اسکاف از امام صادق ﷺ نقل می‌کند: هنگامی که امیرمؤمنان ﷺ ضربت خورد به امام حسن و امام حسین ﷺ وصیت فرمود: من را غسل، کفن و حنوط کنید و بر تابوتی حمل کنید... سپس لحد بر قبر من قرار دهید

۱. همو، مرآة العقول، ۲۷۳/۵.

۲. همو، بحار الانوار، ۲۸۹/۱۸.

۳. مرواید، حسنعلی، ملاحظاتی پیرامون مبدأ و معاد، ص ۳۳۳.

۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۴۵/۱، باب قول رسول الله ﷺ في عرض الاعمال...، ح ۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۵۶۷/۴، ح ۱؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۳۲۹، باب الثامن والمائة: نوادر الزیارات، ح ۳؛ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۵۷۷/۲، باب ثواب زیارة النبی و الائمة ﷺ، ح ۳۱۶؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۱۰۶/۶، باب من الزیادات، ح ۲.

۵. همان، ح ۱؛ مفید، محمد بن محمد، المزار، ص ۲۲۰.

۶. کراچکی، محمد بن علی، همان، ۱۴۰/۲؛ بحرانی، هاشم بن سلیمان، همان، ۱۶۵/۳.

و سنگ‌های لحد را بچینید؛ پس از آن، سنگ لحدی که در نزد سرمن است را بردارید و ببینید چه می‌شنوید. حسنین علیهما السلام این دستورات را اجرا کردند و هنگامی که سنگ لحد را برداشتند، دیدند در قبر هیچ چیز نیست، در این هنگام هاتفی ندا داد: امیرمؤمنان بنده صالح خدا بوده است؛ خداوند او را به نبیّش ملحق کرد. خداوند این گونه با اوصیاء رفتار می‌کند که اگر پیامبری در مشرق بمیرد و وصی او در مغرب، وصی را به نبی ملحق می‌کند.^۱

۵. حضرت ام کلثوم می‌فرماید: قبر [امیرمؤمنان] شکافته شد، سپس نمی‌دانم بدن آن حضرت در زمین فرورفت یا به آسمان سیر داده شد.^۲

۶. عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام چنین سؤال می‌کند: به من خبر دهید از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که اگر قبر آن حضرت را نبش کنند در آن چیزی می‌یابند؟ حضرت فرمود: ای پسر بکیر، سؤال بسیار بزرگی کردی؛ حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادرش حسن علیهما السلام در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده، به ایشان عطاء می‌شود همان طوری که به آن حضرت اعطاء می‌گردد، روزی می‌خورند همان طوری که آن حضرت روزی می‌خورد، اگر در همان ایام قبر را نبش می‌کردند، البته آن حضرت را در آن می‌یافتند، اما امروز آن حضرت زنده بوده و نزد پروردگارش روزی می‌خورد.^۳

پس از بیان این روایات، سند و محتوای آنها نیاز به بررسی دارد.

۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ۲/ ۸۴۵؛ مفید، محمد بن محمد، همان، ص ۲۲۳؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۱۰۶/ ۶، ح ۳؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ۲/ ۳۴۸؛ شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۲۱؛ نباطی، علی بن محمد، الصراط المستقیم، ۳/ ۱۲۲.

۲. ابن طاووس، عبد الکریم بن احمد، فرحة الغری، ص ۳۵؛ حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، ۳/ ۱۶۴؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ۲/ ۳۴۹.

۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، همان، ص ۱۰۳؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۵/ ۳۷۲، باب ۱۳، غرائب افعالهم و احوالهم...، ح ۲۴.

اعتبارسنجی سندی روایات

در ارزیابی سندی نخستین روایت - مجلسی اول علیه السلام سیزده سند صحیح براین روایت ذکر کرده است -^۱ به بررسی یک سند بسنده می شود. این روایت در مصادر اصلی و معتبری همچون بصائر و کافی با این طریق که مرحوم کلینی گزارش داده، آمده است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...

علامه مجلسی این حدیث را از احادیث صحیح می شمارد.^۲ بررسی یک یک افراد سند نشان می دهد که عده کلینی (عدة من اصحابنا) چه از احمد بن عیسی اشعری باشد و چه از احمد بن محمد بن خالد برقی ثقة هستند. افزون بر وثاقت اعلائی احمد اشعری،^۳ احمد بن محمد بن خالد برقی هم ثقة محسوب می شود.^۴ علی بن الحکم الانباری، توسط شیخ طوسی و علامه حلی،^۵ و زیاد بن ابی الحلال الکوفی نیز، توسط نجاشی و علامه حلی^۶ توثیق شده اند؛ از این رو روایت اول از جهت سند، صحیح است.

اما روایت دوم - با توجه به حضور راویانی مانند محمد بن محمد بن طاهر موسوی، عمرو بن ابی زیاد ابزاری و عطیه ابزاری^۷ در سلسله سند - ضعیف است؛ هم چنین روایت سوم، به دلیل ارسال در سند و روایت چهارم با توجه به وجود افرادی مانند

۱. مجلسی، محمد باقر، لوامع صاحبقرانی، ۵۲۵/۸.

۲. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ۲۸۴/۱۸؛ همو، ملاذ الاخیار، ۲۸۷/۹.

۳. شیخ القمیین و وجههم و فقیههم؛ رک: نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۸۳؛ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۶۱؛ حلی، حسن بن یوسف، الخلاصة، ص ۱۴.

۴. نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۷۷؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۵۳.

۵. ثقة، جلیل القدر؛ رک: همان، ص ۲۶۴؛ حلی، حسن بن یوسف، همان، ص ۹۳.

۶. ثقة؛ رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۱۷۱؛ حلی، حسن بن یوسف، همان، ص ۷۴.

۷. توثیقی برای هیچ یک از راویان، در منابع اولیه رجال نیست.

علی بن الحسین بن شقیر بن یعقوب همدانی،^۱ علی بن بزرج الحنط^۲ و عمرو بن الیسع^۳ در طریق روایت، اعتبار سندی ندارند.

اما روایت پنجم، افزون بر مرفوع بودن، شخصیت حسان بن علی القسری^۴ را در طریق دارد که هویتش مجهول است؛ روایت ششم نیز با وجود عبدالله بن عبدالرحمن بن اصم^۵ و عبدالله بن بکیرانجانی^۶ در بین راویان، دچار ضعف سندی است. بر این اساس تنها روایت اول اعتبار سندی دارد.^۷

اعتبارسنجی محتوایی روایات

ظاهر روایات، بر بالا رفتن اجساد امامان علیهم السلام - پس از شهادت - و قرار گرفتن در نعمت های الهی و روزی خوردن در نزد پروردگار دلالت دارد؛ اما برای اثبات این دیدگاه، نیازمند دقت و ارزیابی متن و محتوای آنها هستیم تا افزون برداشت صحیح از روایات، اشکال هایی که پیرامون آن وجود دارد، پاسخ داده شود. در بررسی روایت اول، این گونه به ذهن می رسد که جسم شریف برخی از انبیاء و

۱. نامی از او در منابع اولیه رجال نیست.
۲. «لم یکن بذلك فی المذهب والحديث والی الضعف ما هو». رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۱۷۱؛ حلی، حسن بن یوسف، همان، ص ۲۵۷.
۳. توثیقی ندارد؛ تنها او را صاحب کتاب معرفی کرده اند. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۱۷۱؛ حلی، حسن بن یوسف، همان، ص ۲۸۸؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۳۲۰.
۴. نامی از او در منابع اولیه رجال نیست.
۵. «ضعیف غال لیس بشیء». رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۲۱۷.
۶. در هیچ یک از منابع اولیه رجالی، نامی از او نیست.
۷. از آن جا که این روایات در حوزه آموزه های بینشی قرار می گیرد، برای بازشناخت سره از ناسره آنها، بررسی سندی چندان تاثیرگذار نیست و بیشترین نقش، مربوط به محتوا و متن می باشد که با دو معیار قرآن و عقل قطعی سنجیده شود، از این رو اگر روایتی در این حوزه، از نظر سند ضعیف باشد، اما متن آن هماهنگ با قرآن یا عقل قطعی باشد و با روایات دیگر سازگار باشد، مورد پذیرش قرار می گیرد. رک: نصیری، علی، روش شناسی نقد احادیث، ص ۶۷-۷۲.

اوصیاء،^۱ بی درنگ به آسمان صعود می‌کند؛ اما جسم برخی دیگر، در نهایت، سه روز بعد، به آسمان می‌رود. ممکن است روح در طول این مدت، پس از خروج از جسد نزدیک بدن بماند - اگرچه به نحو حلولی نباشد -^۲ و سپس به همراه بدن به آسمان رود.^۳

فهم محتوای روایت دوم و سوم، به معنای «فی» وابسته است؛ اگر «فی» به معنای ظرفیه باشد، برزندگانی برزخی در بدن دنیایی دلالت دارد؛ اما اگر به معنای «علی» باشد معنای رفع به آسمان فهمیده نمی‌شود، بلکه مراد، بر زمین ماندن بدن، قبل از دفن است. در بررسی این دو احتمال، شاهد برترجیح احتمال اول، این است که اصل در معنای «فی» ظرفیه است^۴ و معانی دیگر نیاز به قرینه دارند؛ افزون بر آن که، عدم مکث بدن معصومان (علیهم السلام) بر روی زمین و تأخیر در دفن آن بزرگواران، با معنای چهل روز سازگار نیست؛ زیرا تأخیر در دفن بدن نبی یا وصی تا چهل روز معنا ندارد.

در روایت چهارم هیچ بیان و اشاره‌ای به مکان الحاق وجود ندارد، بلکه تعبیر الحاق از مغرب به مشرق قرینه‌ای است که این اتفاق در زمین می‌افتد نه در آسمان. در قسمت انتهائی روایت نیز - که به الحاق روح و جسد وصی به نبی دلالت دارد - هیچ سخنی از محل لقاء جسم و روح، بیان نشده است؛ روایت پنجم و ششم نیز، از بیان صعود بدن به آسمان ساکت است و در روایت ششم، امام از پاسخگوئی - پس از سپری شدن بیست سال - طفره می‌رود و با جمله «انه حی عند ربہ یرزق»

۱. به حسب مراتب آن.

۲. چون بنا بر عقیده برخی، مرگ خارج شدن روح از بدن است و پس از مرگ، روح - در همین عالم - نزدیک [بدن] تا مدتی می‌ماند و سپس به برزخ منتقل می‌گردد. رک: قزوینی، مجتبی، بیان الفرقان، ۱/۱۸۲.

۳. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ۳۳/۲۱۴.

۴. ابن هشام، عبدالله، مغنی اللیب، ۱/۱۶۸؛ ابو حیان، محمد بن یوسف، الهدایة فی النحو، ص ۲۶۴.

پاسخ او را می‌دهند؛ حال آن‌که از این جمله، موضوع بالا رفتن به آسمان، اثبات یا نفی نمی‌شود بلکه نسبت به هر دو حالت، ساکت است.^۱ در نتیجه، سه روایت نخست،^۲ بر رفع بدن‌های اهل بیت علیهم‌السلام به آسمان دلالت دارند اما در دلالت روایات دیگر، جای تأمل وجود دارد.

اینک، جهت استناد به محتوای این روایات، به اشکال‌ها و پرسش‌های پیرامون آنها پاسخ داده می‌شود.

اول: ناسازگاری با آیات قرآن

از پرسش‌های مطرح در محتوای این روایات، ناسازگاری آنها با برخی از آیات قرآن - از جمله آیه ۱۱۰ سوره کهف -^۳ است؛ زیرا آیه شریفه، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را، انسان و بشری مانند دیگران معرفی می‌کند در حالی که روایات مذکور، پیامبر و امامان علیهم‌السلام را، بالاتر از حد بشرنمایش می‌دهند.

در بررسی این اشکال، پاسخ می‌دهیم که وجود تعارض، بین این آیه و روایات، قابل پذیرش نیست، زیرا آیه در مقام نفی غلو درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛^۴ عده‌ای پیامبر را از جنس ملک و غیر بشر تلقی می‌کردند و یا آن‌که ادعای نبوت را با ادعای الوهیت برابر می‌دانستند،^۵ بر این اساس، آیه پیامبر را بشری مانند دیگران تلقی می‌کند؛ اما خداوند در ادامه آیه، فرض آن‌که پیامبر در همه امور مانند دیگران باشد را با قید «یوحی الی» تخصیص می‌زند و همانندی او با دیگران در تمام ویژگی‌ها را نفی می‌کند؛ از این رو نمی‌توان این آیه را با روایات ذکر شده ناسازگار دانست.

۱. عاملی، جعفر مرتضی، همان، ۳۳/۲۱۱-۲۱۵.

۲. با توجه به نکاتی که ذکر شد.

۳. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ»

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۵۷۶/۱۲.

۵. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ۴۰۵/۱۳.

دوم: تعارض با دسته دیگری از روایات

اشکال دیگر، ناسازگاری مجموع روایات حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام با جسم عنصری، با مجموعه دیگری از روایات است؛^۱ در این نوشتار، هفت روایت معارض، تحلیل و بررسی می‌شود:

(۱) حضرت موسی بن عمران استخوان‌های یوسف پیامبر علیه السلام را از صندوقی از جنس مرمَر که در رود نیل بود خارج کرد و به مصر انتقال داد.^۲

در تحلیل و بررسی این روایت به نظر می‌رسد که بر فرض صحت سندی، این قضایا مربوط به وقایعی خاص است و حکم آن به موارد دیگر، تسری نمی‌یابد؛^۳ زیرا نقل بدن میت از یک مکان به مکان دیگر نیاز به دلیل دارد و چنین دلیل معقولی بر نبش قبر پیامبر یافت نمی‌شود، مگر آن که بدن او به صورت ودیعه‌ای، در مکانی قرار گرفته باشد تا پیامبری از پیامبران اولوالعزم - به دلیل احترام و بزرگداشت آن پیامبر الهی - آن را در مکان دفن حقیقی اش به خاک بسپارد.^۴ مؤید این مطلب روایاتی است که بیان می‌دارد، میت در مکانی که از آن خلق گردیده است دفن می‌شود.^۵ بنابراین، روایات حیات برزخی در جسم عنصری، به بدن‌های دفن شده ناظر است، برای این اساس شاید مراد از روایاتی که دلالت بر رفع دارد، تنها انبیائی باشند که خداوند اراده نقل مکان بدنشان را نکرده است؛ اما انبیاء دیگر، از این روایات تخصیص خورده‌اند یا به دلیل مصلحت، پس از رفع به آسمان، دوباره به زمین بازگشتند.^۶ در نتیجه، این روایت نمی‌تواند با آن دسته از روایات که بر بالا رفتن بدن اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد، تعارض کند.

۱. رک: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۳۳/۹۷.

۲. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۲۰۵/۱؛ همو، علل الشرایع، ۲۹۶/۱.

۳. بروجردی، محمد حسین، تفسیر الصراط المستقیم، ۴۲۲/۵.

۴. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ۲۰۶/۳۳-۲۰۷.

۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، الدرر النجفیة، ۱۶۷/۳.

۶. ابن قاریاغدی، محمد حسین، البضائة المزجاة، ۴۵۸/۲.

۲) دعای بزرگ مسیحیان زمان امام عسکری علیه السلام با در دست داشتن قطعه‌ای از استخوان پیامبری، مستجاب شد و باران بارید، که امام عسکری علیه السلام از این امر پرده برداشت و سبب هدایت مردم گردید.^۱

این روایت از جهت اعتبار سندی، هم طراز با روایات صحیح و مشهوری که دلالت بر رفع به آسمان می‌کند، نیست؛^۲ زیرا یکی از روایان آن، «علی بن الحسن سابور» است که در کتاب‌های رجالی نامی از او دیده نمی‌شود^۳ و در برخی از نگاهشده‌ها، نام وی «علی بن الحسین» ضبط شده است؛^۴ افزون بر آن که در دلالت این روایت نیز خدشه است؛ زیرا محتوای آن بر پوشیدن بدن آن نبی و بقاء استخوانش دلالت دارد حال آن که روایات بسیاری بر بقاء بدن انبیاء دلالت می‌کند.^۵ با چشم پوشی از این اشکال‌ها، ممکن است این مورد از موارد خاص باشد که خداوند به دلیل مصلحتی مانند ظهور معجزه، استخوان این نبی را حفظ کرده باشد.

۳) ابراهیم دیزج قبر امام حسین علیه السلام را به امر متوکل گشود و بدن شریف آن حضرت را تر و تازه و درون بوریائی جدید یافت.^۶

ابراهیم بن دیزج شخصی یهودی بوده که به ظاهر اسلام آورده بود^۷ و متولی تخریب قبر امام حسین علیه السلام گشته بود؛ خبثت او از این جا ظاهر می‌شود که پس از مشاهده

۱. قطب‌الدین راوندی، سعید، الخرائج والجرائح، ۴۴۱/۱-۴۴۲؛ حرعاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، ۳۱۹/۶.

۲. بروجردی، محمد حسین، همان، ۴۳۲/۵.

۳. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ۳۳۱/۵.

۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، حلیة الابرار، ۱۱۹/۶.

۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۴۴/۱؛ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۱۹۱/۱؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۹۹/۲۷ و ۲۶۴/۸۶؛ بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ص ۳۴۵.

۶. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۳۲۶، مجلس ۱۱.

۷. قمی، عباس بن محمد رضا، تممة المنتهی، ص ۲۳۹.

جسد شریف آن حضرت، از تصمیم خویش بازنگشت و آب را بر قبر شریف حضرت جاری و هتک حرمت کرد، از این رو به گفتهٔ او اطمینان نیست.^۱ افزون بر آن که ممکن است بر اساس مصالحی - که تنها خداوند بر آن آگاه است - در این واقعه، جسم شریف آن حضرت را دیده یا برای او تمثیل یافته باشد.^۲ هم چنین روایات ابراهیم بن دیزج مختلف نقل شده و دارای اضطراب هستند؛^۳ برخی از روایات وی، بر نبش قبر و دیدن بدن آن حضرت دلالت دارد اما از سوئی دیگر، روایاتی مبنی بر ناکامی او در تخریب قبر وجود دارد که تیراندازانی غیبی، مانع حفر قبر شریف گردیدند؛^۴ از این رو، روایت ابراهیم بن دیزج قابلیت تعارض با روایات دال بر رفع به آسمان را ندارد.

(۴) امام صادق (علیه السلام) به مفضل فرمود: «اگر ارادهٔ نجف کردی استخوان‌های آدم، بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب را زیارت کن.»^۵

در بررسی این روایت، برخی از پژوهشگران این گونه احتمال داده‌اند که استخوان آدم و بدن نوح و جسم امیرمؤمنان (علیه السلام) مورد سلام و زیارت قرار گیرد و با جملاتی مثل: «السلام علی بدن نوح و عظام آدم و...» مورد خطاب قرار گیرند؛ سبب این گونه زیارت، سرّی از اسرار الهی است که ما از آن اطلاعی نداریم.^۶ وجه دیگر آن است که روایت، از بیان مکان بدن و استخوان‌های آن حضرت ساکت است، از این رو ممکن است زیارت حضرات در مکان قبر صورت گیرد، اما بدن شریف‌شان در

۱. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ۲۰۶/۳۳-۲۰۷.

۲. همان.

۳. در صورتی که تخریب قبر مطهر، تنها یک بار توسط ابراهیم بن دیزج صورت گرفته باشد.

۴. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۳۲۷.

۵. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ۸۵۳/۲؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات،

ص ۳۸؛ مفید، محمد بن محمد، المزار، ص ۲۱.

۶. عاملی، جعفر مرتضی، همان، ۲۰۴/۳۳.

آسمان باشد و اگر تأکید بر حضور در مکان دفن شده، به سبب ویژگی خاص محل دفن است.

(۵) در منطقه «رصافه» چاهی را حفر کردند که درون آن چاه، بدن شعیب بن صالح بود.^۱

شخصی که مکان دفن را معین کرد سهیل بن سعید است^۲ که در منابع رجالی از وی نامی برده نشده و مجهول است؛ براین اساس، گفته او به تنهایی حجت نیست مگر آن که اطمینان به آن حاصل شود؛ در این روایت، با توجه به نامشخص بودن مکان قبر در نزد دیگران و عدم ارائه دلیل یا شهادی بر تشخیص بدن شعیب بن صالح، به گفته او اطمینان حاصل نمی‌شود، زیرا ممکن است بدن شخصی دیگر باشد که به اشتباه بدن آن حضرت پنداشته شده است.

(۶) ابا هارون العبدی در مقابل امام صادق علیه السلام شعری در مرثیه امام حسین علیه السلام سرود:

أَمْرٌ زَعَلَى جَدَثِ الْحُسَيْنِ قَوْلٌ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ^۳
بر قبر حسین علیه السلام گذر کن و به استخوان هایش بگو...

تقریر امام صادق علیه السلام بر وجود بدن آن حضرت بر روی زمین، کفایت می‌کند؛ زیرا اگر خدشه‌ای در شعرش بود امام علیه السلام او را از خواندن چنین اشعار دروغی بر حذر می‌داشتند و می‌فرمودند که بدن امام حسین علیه السلام در قبر نیست بلکه در آسمان است.

در بررسی این نقل، نکته قابل تأمل آن است که، این شعر اشاره‌ای به وجود استخوان‌های آن حضرت در زمین ندارد، بلکه ممکن است گفتگوی با استخوان‌های شریف آن

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۳۱/۹۷.

۲. قطب الدین راوندی، سعید، الخرائج والجرائح، ۵۵۲/۲.

۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۱۰۴.

حضرت - که به آسمان رفته است - از مکان قبر صورت گیرد؛ در نتیجه، این روایت نیز تعارضی با روایات دیگر ندارد.^۱

(۷) احادیثی که بیان می‌دارند، گوشت بدن‌های اهل بیت (علیهم السلام) و فناء بدن‌های آنان، بر زمین حرام است.^۲

دلیل تعارض این دو دسته، آن است که باید بدن‌های شریف‌شان در قبر وجود داشته باشد تا بر زمین حرام شود و گرنه در صورت رفع بدن‌ها به آسمان، صدور این احادیث لغو می‌شود.

اما در بررسی روایات حرمت گوشت‌های اهل بیت (علیهم السلام) بر زمین، این نکته جای تأمل دارد که آنها از بیان کیفیت نپوسیدن بدن‌های شریف اهل بیت (علیهم السلام) ساکت هستند؛ از این رو، دو وجه محتمل است: نخست، حرمت گوشت‌های آن بزرگواران و نپوسیدن آن، به سبب عدم بقاء در زمین و رفع به آسمان باشد. دوم، ممکن است بدن‌های شریف‌شان در قبر موجود باشد اما فانی نشود.^۳ در بررسی دو احتمال، هیچ‌یک بردیگری برتری ندارد؛ بلکه ممکن است در جمع روایات، احتمال اول برتر باشد. از این رو، این روایات نیز، هیچ‌گونه تعارضی با روایات دال بر رفع به آسمان ندارند.

سوم: تنافی با مفهوم زیارت

زیارت در عمده فرهنگ‌های لغت به معنای میل پیدا کردن است و در عرف، میل و توجه در دیدار شخص زیارت شونده - که به قصد بزرگداشت و انس گرفتن

۱. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ۱۹۷/۳۳.

۲. «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ لِحُومَنَا عَلَى الْأَرْضِ أَنْ يَطْعَمَ مِنْهَا شَيْئًا» ر.ک: صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۴۴/۱؛ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۱۹۱/۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۷/۲۹۹؛ بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ص ۳۴۵؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۶۴/۸۶.

۳. عاملی، جعفر مرتضی، همان، ۱۹۷/۳۳.

صورت می‌گیرد - را زیارت گویند.^۱ در برخی از فرهنگ‌ها، میل به معنای عدول است و زائر در هنگام زیارت، از دیگران روی‌گردان می‌شود.^۲ حال با توجه به معنای زیارت، هنگامی که زیارت شونده درون قبر نباشد معنای زیارت تحقق نمی‌یابد و هدف از آن محقق نمی‌گردد، زیرا بدنی در قبر وجود ندارد، تا زیارت محقق شود.

در پاسخ از این اشکال چنین به نظر می‌رسد که زیارت اهل بیت علیهم‌السلام با نبودن بدن‌های شریفشان در قبر، منافات ندارد؛ زیرا در زیارت آنها، مفهوم زیارت - توجه به قصد بزرگداشت و اکرام - حاصل می‌شود؛ افزون بر آن که هدف، تنها زیارت بدن‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیست، بلکه زیارت امام دلایل دیگری نیز دارد؛ شیخ مفید، یکی از دلایل حضور بندگان نزد قبرهای ائمه علیهم‌السلام را به جهت بزرگداشت آنان بیان می‌کند، گرچه اجسام شریف آن بزرگواران در قبر نباشد؛^۳ مرحوم کراچکی و علامه مجلسی در پاسخ از این اشکال، زیارت مشاهد اهل بیت علیهم‌السلام را به دلیل شرافت آن مکان‌ها می‌دانند نه زیارت بدن‌های شریف آن بزرگواران؛^۴ هم‌چنین مجلسی اول زیارت قبور ایشان را محض تعبّد می‌داند و گرنه امامان به زیارت زائران، احتیاج ندارند.^۵

در جمع بندی مجموع روایات، آن‌چه به ذهن می‌رسد این است که، محتوای سه روایت به روشنی، زندگانی برزخی اهل بیت علیهم‌السلام را در بدن دنیایی ثابت می‌کنند و هیچ‌گونه تعارضی با آیات، روایات و مفهوم زیارت ندارند. افزون بر آن که سه شاهد

۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ۲/۲۶۰؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۳/۳۱۹-۳۲۰.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ۳/۳۶.

۳. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریة، ص ۷۹.

۴. کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۲/۱۴۰؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۱۸/۲۹۹ و ۲۶/۳۰۴.

۵. مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی، ۸/۵۲۵.

دیگر، روایات رفع به آسمان را تأیید می‌کنند: نخست، احادیثی است که جسم‌های شریف ائمه علیهم‌السلام را، در حد روح ما معرفی می‌کند؛^۱ از ظاهر این روایات چنین استفاده می‌شود که همان‌گونه که روح ما دوران برزخ را سپری می‌کند، زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام در برزخ نیز، می‌تواند در بدن‌های شریفشان صورت گیرد و این احتمال هیچ‌گونه بُعدی ندارد. دوم، احادیثی که بر مشاهده انبیاء و اوصیاء،^۲ پس از رحلت از دنیا دلالت دارد.^۳ سوم، روایاتی که در باب معراج پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ذکر شده است که انبیاء و مرسلین در صف‌هایی قرار گرفته بودند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنان را مشاهده^۴ و بر آنان سلام کرد.^۵

در نتیجه، با وجود سه روایت و سه شاهد بر زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام در بدن اصلی و عنصری، این احتمال بر احتمال‌های دیگر ترجیح دارد و حیات برزخی ائمه علیهم‌السلام به صورت خاص و ویژه، در بدن‌های دنیایی صورت می‌گیرد و این، دلالت بر مقامات بسیار بالای آن بزرگواران دارد.

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۲۰/۱، باب فی خلق أبدان الأئمة علیهم‌السلام و فی خلق ارواحهم و شیعتهم، ح؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۸۹/۱، باب خلق ابدان الأئمة و ارواحهم و قلوبهم، ح؛ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ۱۱۷/۱.

۲. البته در صورتی که اهل بیت علیهم‌السلام پس از شهادت در بدن اصلی و دنیایی مشاهده شوند.

۳. صفار، محمد بن حسن، همان، ۲۷۴/۱، باب ان الأئمة یزورون الموتی و ان الموتی یزورهم؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۳۰۲/۲۷-۳۰۷، باب أنهم یظهرون بعد موتهم...؛ علامه مجلسی در مسأله کیفیت ظهور و مشاهده آن بزرگواران، حضور ایشان در اجسام اصلیشان را بعید نشمرده است.

۴. این روایات نیز در صورتی قرینه و شاهد است که انبیاء و مرسلین در بدن‌های عنصری باشند، همان‌گونه که برخی از محدثان، از جمله مرحوم بحرانی، چنین دیدگاهی دارند. بحرانی، هاشم بن سلیمان، الدرر النجفیة، ۱۶۵/۳.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴۸۶/۳، باب النوادر، ح؛ مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، ۲۱۷/۲.

نتیجه‌گیری

رهاورد نگاشته حاضرین است که با استناد به آیات و روایات، حیات برزخی اهل بیت علیهم‌السلام ثابت است و اجسام شریف‌شان پس از شهادت به آسمان صعود می‌کند و آنها در همان بدن دنیایی، زندگانی در برزخ را سپری می‌کنند. افزون بر استناد بر روایات - که برخی از آنها صحیح‌السند هستند - شواهدی دیگر نیز، بر درستی این دیدگاه دلالت می‌کند و هیچ‌گونه ناسازگاری با آیات، روایات و مفهوم زیارت ندارد.

با بررسی محتوا و دیدگاه‌های مطرح در احادیث کیفیت حیات برزخی، مجموعی از احادیث که با مقامات اهل بیت علیهم‌السلام مرتبط است دلالت‌یابی گردید و مسیری نوین در پیشگاه پژوهشگران عرصه امامت گشوده شد که در پژوهش‌های دیگر، ارتباط این روایات با مقامات امامان به صورت گسترده‌تر بررسی شود. لازم به ذکر است ابعاد بیشتر این روایات و سازگاری آن با عقل و ضروریات دینی، نیاز به پژوهشی مستقل دارد که در گام‌های دیگر به گونه گسترده‌تر باید بررسی شود.

کتاب

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، چاپ اول: علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، فرحة الغري في تعيين قبر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في النجف، چاپ اول: منشورات الرضوي، قم.
- ابن هشام، عبدالله بن هشام، مغني اللبيب عن كتب الاعراب، چاپ اول: مدين، قم، ۱۳۸۳ ش.
- ابوحيان، محمد بن يوسف، الهداية في النحو، تحقيق حسين شيرافكن، مركز العالمي للدراسات الاسلامية، قم، ۱۳۸۴ ش.
- اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تحقيق رسولي محلاتي، چاپ دوم: بني هاشمي، تبريز، ۱۳۸۱ق.
- بحراني، سيد هاشم بن سليمان، الدرر النجفية من الملتقطات اليوسفية، چاپ اول: شركة دارالمصطفى لاحياء التراث، بيروت، ۱۴۲۳ق.
- ، البرهان في تفسير القرآن، تحقيق قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة، چاپ اول: مؤسسه بعثت، قم، ۱۳۷۴ ش.
- ، حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار عليهم السلام، چاپ اول: مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
- بروجردی، حسين، تفسير الصراط المستقيم، تحقيق غلامرضا مولانا البروجردی، انصاريان، قم، ۱۴۱۶ق.
- ثقفی، ابراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق جلال الدين محدث، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۹۵ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، چاپ اول: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- ، الفصول المهمة في أصول الأئمة، تحقيق محمد بن محمد الحسين القائني، چاپ اول: مؤسسة معارف اسلامی امام رضا عليه السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
- راوندي، سعيد بن هبة الله، الخرائج والجرائح، چاپ اول: مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- سبحانی، جعفر، الحياة البرزخية، چاپ اول: مؤسسة امام صادق عليه السلام، قم، ۱۳۷۶ ش.

شبر، سید عبدالله، تسلیة الفؤاد في بيان الموت و المعاد، چاپ اول: مؤسسه الأعلمی، بیروت، ۱۴۱۵ق.

-----، حق الیقین فی معرفه اصول الدین، چاپ دوم: انوار الهدی، قم، ۱۴۲۴ق.

شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، مطبعة حیدریدیه، نجف.

شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الأربعة، چاپ سوم: دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱م.

صدوق، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، چاپ اول: دارالمرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، تحقیق کوچه باغی، چاپ دوم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.

طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.

-----، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ سوم: اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.

طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چاپ اول: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.

-----، الفهرست، تحقیق الشیخ جواد القیومی، چاپ اول: مؤسسه نشر الفقاهه، قم، ۱۴۱۷ق.

-----، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول: قم، ۱۴۱۵ق.

-----، اختیار معرفه الرجال، تحقیق سید مهدی رجائی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.

عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، چاپ اول: دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ق.

فاضل السیوری، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهیه فی المباحث الكلامیه، تحقیق قاضی طباطبائی، چاپ دوم: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۲۲ق.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، علم الیقین فی أصول الدین، تحقیق محسن بیدار فر، چاپ اول: بیدار، قم، ۱۴۱۸ق.

-----، الوافی، چاپ اول: کتابخانه امام امیرالمومنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ اول: دار الكتاب، قم، ۱۴۰۴ق.

کراچکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، تحقیق عبدالله نعمه، چاپ دوم: دار الذخایر، قم، ۱۴۱۰ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق دارالحدیث، چاپ اول: دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ق. مجلسی، محمد باقر، حق الیقین، انتشارات اسلامیة، تهران.

مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، چاپ دوم: تحقیق سید هاشم رسولی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ق.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم: دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق.

مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، چاپ دوم: موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ق.

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، تحقیق حسین موسوی و علی پناه اشتهازی، چاپ دوم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ق.

مروارید، حسنعلی، ملاحظاتی پیرامون مبدأ و معاد، تحقیق حمیدرضا آذیر، چاپ اول: رایزن، تهران، ۱۳۷۸ش.

مفید، محمد بن محمد، الامالی، تحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری، چاپ اول: کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

المسائل السروية، چاپ اول: کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

أوائل المقالات في المذاهب والمختارات، چاپ اول: کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

تصحیح الاعتقادات الامامیة، تحقیق حسین درگاهی، چاپ اول: قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.

جوابات اهل الموصل في العدد والرؤية، چاپ اول: کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

کتاب المزار - مناسک المزار، تحقیق سید محمدباقر ابطحی، چاپ اول: دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول: دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ش.

ملکی میانجی، علی، معرفت معاد، چاپ اول: انتشارات نبأ، تهران، ۱۳۹۲ش.

ملکی میانجی، محمد باقر، مناهج البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۴ق.

موحدی، عبدالعلی، حیات برزخی، چاپ اول: امامت اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۳۹۵ ش.
 نباطی بیاضی، علی بن یونس، الصراط المستقیم الی المستحق التقدیم، چاپ اول:
 مکتبه المرتضویه، قم، ۱۳۸۴ ق.
 نجاشی، علی بن احمد، فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)، تحقیق سید
 موسی شبیری زنجانی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ ق.
 نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، چاپ اول: شفق، تهران، ۱۴۱۲ ق.
 نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول: موسسه آل
 البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
 -----، دار السلام.
 هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی، چاپ اول:
 الهادی، قم، ۱۴۱۳ ق.

مجلات

اسماعیلی، محمد کاظم، «بررسی محتوایی احادیث حضور اهل بیت علیهم السلام در هنگامه احتضار
 و نقد برخی از دیدگاه‌ها»، فصلنامه امامت پژوهی، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۳.
 افضلی، علی، «راه حل فیلسوفان اسلامی در رابطه نفس و بدن»، فلسفه، دوره ۳۵، شماره ۳،
 پاییز ۱۳۸۵.
 -----، «ماده زمان و مکان در عوالم پس از مرگ»، پژوهش دینی، ش ۲۱، پاییز و زمستان
 ۱۳۸۹.
 -----، «نقد و بررسی نظریه فیلسوفان اسلامی در مسئله رابطه نفس و بدن»، فلسفه،
 دوره ۳۶، تابستان ۱۳۸۷.
 -----، «اقسام بدن انسان و نقش آن در دنیا، برزخ و قیامت»، علوم حدیث، ش ۲ و ۱،
 سال ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
 تقی زاده، سید محمد، «برزخ در قرآن و روایات»، منہاج، ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
 شمس، علی، «برزخ در علم کلام»، معارف عقلی، ش ۳، پاییز ۱۳۸۵.

حياة أهل البيت عليهم السلام البرزخية في الجسم العنصري أو البدن البرزخي؟

على نصيري^١ / محمد كاظم اسماعيلي^٢

٢١٨

الخلاصة:

تطرح نظريتان مختلفتان في حياة أهل البيت عليهم السلام البرزخية؛ فطائفة من العلماء فرضوه في البدن البرزخي (المثالي)، وطائفة أخرى فرضوه في الجسم الدنيوي. وكل من النظريتين تستند إلى الأحاديث التي يجدي وينفع الفهم الصحيح من محتواها في إدراك مقامات وخصائص أهل البيت عليهم السلام. تثبت المقالة من وجهة نظر وصفية - تحليلية أن حياة أهل البيت عليهم السلام في البرزخ في أجسامهم الدنيوية. والدليل العمدة لهذا الرأي جملة من الروايات التي تؤكد أن جسم كل وصي ونبي لم يبق في الأرض أكثر من ثلاث أو أربعة أيام، ثم ترفع إلى السماء، مضافاً إلى الشواهد المستقاة من الروايات نحو أن أجسام أهل البيت عليهم السلام في مرتبة الروح، مشاهدة الأنبياء والأوصياء بعد الرحيل، وملاقات النبي الأكرم صلى الله عليه وآله مع الأنبياء في المعراج، وهي مما تقوي هذه النظرية.

المفردات الرئيسية: البرزخ، البدن المثالي، البدن البرزخي، الحياة البرزخية، مقامات أهل البيت عليهم السلام.

١. استاذ تمام في جامعة العلم والصنعة.

٢. طالب بحث الخارج في الحوزة العلمية بقم المقدسة وخريج مركز إمامة أهل البيت عليهم السلام التخصصي.

AK.esmaeili@gmail.com

Ahl al-Bayt's Barzakh Life in Elemental Body or Barzakhi Form

By: Ali Nasiri¹, Muhammad Kazim Ismā'ili²

Abstract

There are two contradictory views on Ahl al-Bayt (A.S.)'s lives in al-Barzakh; some of the scholars believe they go through this life in a Barzakhi body (ideal body), and the other ones believe in a worldly body. Each of these views is based on some traditions whose correct interpretation would lead us to have a better understanding of Ahl al-Bayt (A.S.)'s ranks and characteristics. Adopting a descriptive-analytical approach, this paper is going to prove that Ahl al-Bayt (A.S.) have their worldly bodies in Barzakh. This view is mainly supported by the narrations which emphasize that no prophets or their successors' bodies will not be on the earth more than three or forty days unless God takes them to the heaven. In addition, some more evidence was found in hadiths such as Ahl al-Bayt's physical bodies are remaining as good as their soul, seeing the prophets and Imams after their death, and prophet Muhammad's visiting other prophets in Mi'rāj; all reinforce this view.

Keywords: Barzakh, ideal body, Barzakhi form, life in Barzakh, Ahl al-Bayt's ranks.

-
1. Full professor of the University of Science and Technology
 2. Graduated in dars-e khārij (advanced courses) of Qom Seminary School, graduated from academic center of Imam Ahl al-Bayt (A.S.), AK.esmaeili@gmail.com